

بینامتنیت قرآنی و حدیثی در چکامه نهم ادیب‌الممالک فراهانی (به توپ بستن بارگاه امام هشتم)

حمیدرضا جدیدی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۷، صفحه ۴۳ تا ۶۳ (مقاله پژوهشی)

چکیده

رویکرد بینامتنیت، در نقد ادبی، بر این اساس است که هیچ متنی خودبسنده و اصیل نیست، بلکه واگویه و بازتابی از متون پیشین است. باختین، ژولیا کریستوا و ژرار ژنت از بزرگترین پژوهشگران این حوزه‌اند که ارتباط‌های یک متن با متون دیگر را مورد دقت قرار داده‌اند. ژنت بینامتنیت را به سه شکل صریح، غیرصریح و ضمنی، برشمرده است. قرآن کریم اثرگذارترین کتاب، بر آفرینش متون فارسی است و اکثر شاعران، از آن و روایات معصومین (ع) بسیار اثر پذیرفته‌اند. بدیهی است باید این اثرات در حوزه ادبیات آیینی هویدا شود زیرا درکشان به فهم ژرف‌تر سروده‌ها منجر می‌شود. ادیب‌الممالک فراهانی از شاعران بزرگ عصر مشروطه، که به گواه سروده‌هایش آشنایی فراوانی با ادبیات عرب، قرآن و روایات داشته، در اشعارش به ویژه در چکامه‌های سیاسی - اجتماعی خود به خوبی از این منابع بهره برده، و گاهی تفاسیر و برداشت‌های ذوقی و شاعرانه‌ای از آیات و روایات بیان کرده و نمونه‌های تازه‌ای از بدخوانی فعال ارائه کرده است. در این جستار پس از بیان مقدمات، با شیوه تحلیلی - توصیفی و سود بردن از روش نقد ژرار ژنت، تلاش شده است به اختصار، ابیاتی از چکامه نهم ادیب‌الممالک، در آیین بینامتنیت، نشان داده شود. این اشعار به خوبی آشکار می‌سازد او به میزان قابل توجهی بر مفاهیم، واژگان و شخصیت‌های قرآنی، و محتوای روایات معصومین (ع) احاطه دارد و برای افزایش غنای معنوی سروده خود و اثرگذاری و آموزش مخاطبان، بیشتر به شکل صریح از آنها سود جسته است.

کلیدواژه‌ها: بینامتنیت، قرآن، ادیب‌الممالک، ژرار ژنت، روایات معصومین (ع).

۱. استادیار گروه تاریخ، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران: jadidi.hamidreza@ymail.com

بینامتنیت قرآنی و حدیثی در چکامه نهم ادیب‌الممالک فراهانی
(به توپ بستن بارگاه امام هشتم)

درآمد

نظریه بینامتنیت (intertextuality) (در عربی «التناص») بر تعامل بین متون تأکید دارد. این شاخه جدید نقد ادبی به فهم ژرف‌تر متون ادبی کمک کرده، نشان می‌دهد هر اثر، ریشه در آثار گذشته دارد و در واقع اقتباسی از آنهاست و قادرست بر متون پس از خود اثرگذار باشد. بررسی هر متن و تطبیق آن با آثار مهم دیگر برای خواننده، این امکان را فراهم می‌کند که به درک بهتری از متن دست یابد، بنابراین باید گفت: متن ارزشمندی که آفریننده آن بدون پیش زمینه ذهنی از آثار گذشتگان به انشای آن توفیق یافته باشد دیده نمی‌شود.

ژولیا کریستوا (Julia kristeva) نخستین بار در دهه ۱۹۶۰ این نظریه را بیان کرد، اگرچه در ادبیات فارسی اصطلاحاتی همچون تلمیح، اشاره، اقتباس، بازآفرینی و ... به نحوی به اثرپذیری از متون دیگر در آفرینش یک متن اشاره داشته‌اند. پس از ژولیا کریستوا کسانی مانند رولان باروت و ژرار ژنت، این نظریه را اصلاح کرده، گسترش داده‌اند. (آلن، ۱۳۹۵: ۱۲۹) البته آلن (همان: ۲۴) معتقدست ریشه‌های این نظر در اندیشه‌های سوسور، باختین و فرمالیست‌های روسی دیده می‌شود. خلاصه آنکه طبق این نظریه هر متنی در همه دوره‌ها پویاست و معنایش از داد و ستد بین متون دیگر بهتر فهمیده می‌شود؛ به گفته ژولیا کریستوا معنای هر متنی در خود آن به پایان نمی‌رسد؛ بلکه به متن و متن‌های دیگر بستگی دارد. از این رو معنای هر متن ادبی، وابسته به تاریخ، سنت ادبیات، متون ادبی و غیر ادبی است که متن در بافت آنها شکل گرفته است. (سخنور؛ سبزیان مراد آبادی، ۱۳۸۷: ۶۷) به این ترتیب هر متن، درختی است که ریشه در گذشته‌ها دارد و سایه‌اش بر سر آیندگان ماندگار خواهد بود؛ به تعبیر دیگر ازلی-ابدی است. بینامتنیت به فرایند تشکیل متن جدید از متون گذشته می‌پردازد و بیان می‌کند یک متن ادبی در حقیقت نتیجه افکار اصیل یک مؤلف نیست بلکه متشکل از چندین نقل قول است. (میرزایی، ۱۳۸۸: ۳۰۰) بینامتنیت این امکان را فراهم می‌کند که ارتباط بین متون، کشف شود. ژنت (۱۳۹۱: ۲۲۷-۲۱۸) ادبیات را مجموعه‌ای منسجم می‌داند با فضایی همگن که در درونش، آثار، همدیگر را لمس و در هم نفوذ می‌کنند و خود ادبیات هم در مجموعه «فرهنگ» قرار می‌گیرد که ارزش آن وابسته به کل مجموعه است. بر اساس همین نظریه است که مثلاً در مورد شعر شخصیتی همانند حافظ، گفته‌اند: «تمام اجزای هنرش را در دیوان‌های قدما و معاصران او می‌توان یافت.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۲۱۴)

در بررسی متون شعر فارسی از جهت اثرپذیری از قرآن مجید و روایات معصومین (ع) به سه شیوه بینامتنیتی «صریح، غیر صریح و ضمنی» برمی‌خوریم که در سه بخش «واژگانی،

مضمونی (معنایی) و شخصیتی قابل مشاهده است. این موارد پس از ذکر «متن حاضر»، «متن غایب» و «عملیات بینامتنی» که روشن کننده این ارتباط است، فهم می شود.

قرآن اثر ادبی و حیانی بی مانندی است که به عنوان ارجمندترین کتاب نزد مسلمان مطرح بوده و هست و پیوسته بر ذهن و زبان سخنوران تأثیر گذاشته، منبع لایزال ادب آیینی است و شاعران فراوانی سروده های خویش را بر ستون محکم آن ساخته اند. مثلاً خاقانی فرموده:

سخن که خیمه زند در ضمیر خاقانی طناب او همه حبل الله آید از اطناب

(خاقانی، ۱۳۷۳: ۵۶)

حافظ نیز صبح خیزی و سلامت طلبی و این همه شهد و شکرگی که از سخنش می ریزد را مدیون دولت قرآن می داند، لذا این کتاب آسمانی ظرفیت بالایی دارد تا با نگاهی بینامتنی اثرش بر سایر متون ارزیابی و تبیین گردد. به عبارت دقیق تر قرآن «فرامتن» بسیاری از متون است و نویسندگان بدون بهره جویی از این متن دینامیک و پویا نمی توانستند آثار ادبی خود را با این غنا و زیبایی معنوی و ظاهری بیافرینند. (برای آگاهی بیشتر ر.ک: اسداللهی، ۱۳۷۹: ۱-۴)

بازتاب تأثیر قرآن و حدیث بر متون ادبی فارسی به سه شکل کلی زبانی، بلاغی و فکری قابل مشاهده است. فارسی زبانان گاهی از واژگان قرآن و روایات، گاهی با تضمین عین آیات و احادیث، و گاه از شیوه های بلاغی آنها (معانی و بیان و بدیع و...) در آثار خویش استفاده کرده اند و در بسیاری موارد اندیشه ها و جهان بینی مطرح شده در این متون را در شعر و نثر بازتاب داده اند. به جرأت می توان گفت هیچ اثر شاخصی در فارسی یافت نمی شود که تابش انوار قرآنی در آن مشاهده نشود. در اشعار و قصایدی که رنگ و بوی اجتماعی-سیاسی دارد شاعر علاوه بر توجه به زیبایی های ادبی و بلاغی در پی اقناع و به پوشش و جنبش آوردن مخاطب خویش است و ناخودآگاه به آیات قرآنی و احادیث-که پذیرش عمومی و اعتقادی بالاتری دارند- توجه می کند تا مقبولیت کلامش افزایش یابد، همان طور که در هنگام آموزش اخلاقی و عرفانی از این روش بهره مند می گردند. بدیهیست نگاه بینامتنی، پیوند آثار ادبی و متون دینی را بهتر نمایان ساخته، به درک بهترشان کمک می کند.

طرح مسأله: بدخوانی و انواع آن

بدخوانی خلاق (misreading/misprision) که پایه در نظریات بینامتنی دارد، توسط هارولد بلوم (Harold bloom) ابداع شد. بر اساس این نظریه آفرینش هر اثر ادبی جدید، مستلزم تخطی و خروج از هنجار متون نافذ پیشین و خوانش خلاقانه آثار برجسته گذشته است. (برای توضیح بیشتر ر.ک: مقدادی، ۱۳۹۳: ۱۲۲) بنابر این هر متنی خود یک بینامتن است که

بینامتنیت قرآنی و حدیثی در چکامه نهم ادیب‌الممالک فراهانی

(به توپ بستن بارگاه امام هشتم)

ریشه در گذشته و نفوذ در آینده داشته، خود بسنده و مستقل از متون دیگر نخواهد بود، از این رو متن جدید، به عنوان یک بینامتن از طریق بدخوانی خلاق، در تعامل پویا با متون قبلی خواهد بود. «در واقع بدخوانی خلاق، جدال میان شاعر متأخر با متن مسلط است، ستیزه‌ای که در آن شاعر جوان می‌کوشد ... هم تأثیر او بر خود را بکاهد و هم با آفرینشی خلاقانه به هویتی مستقل دست یابد.» (طاهری، فرّخی، ۱۳۹۲: ۵۶)

آیا بدخوانی نسبت به قرآن که متنی وحیانی است نیز سابقه دارد؟ باید گفت: شاعران فارسی زبان در موارد بسیاری این بدخوانی را نسبت به مفاهیم قرآن داشته‌اند و در موضوعی با دیدی نقّادانه و حتی طنزگونه شاهد بروز این بدخوانی خلاق در اشعارشان هستیم. آنها گاه به خوانش خلاقانه کلام خدا دست یازیده، کوشیده‌اند با غلبه بر اضطراب یا دلهره از متن پیشین، به گفت و گو با آن برخیزند و با اقتباس بخشی از کلام یا موضوع و مضمون آن در بافت جدید شعر و نثر خود، خوانشی دیگرگون و متفاوت از بافت آیه ارائه نمایند. (صباغی، ۱۳۹۴: ۷۵)

می‌توانیم بدخوانی‌ها را به صورت نظری از هم جدا کنیم؛ «دگرخوانی» مثل «خاوران‌نامه» و «شاهنامه»؛ مؤلف از شکل و صورت ادبی شاهنامه استفاده کرده، داستان را تغییر می‌دهد و به حضرت علی (ع) می‌پردازد. «بازخوانی» زمانیست که متنی در نظام نشانه‌ای خاص را به یک متن در نظام نشانه‌ای دیگر برگردانیم؛ مثل «مجموعه مرغان» ژان کلود کری‌پر که از «منطق الطیر» عطار گرفته، بازخوانی می‌کند و متن را از نظام نشانه‌ای روایی شعری به یک نظام نشانه‌ای نمایشی تبدیل می‌کند این گونه‌گونی خوانش است که باعث تکثیر متن‌ها می‌شود، چنان‌که شاهنامه در دگرخوانی به شکل دیگری تکثیر می‌شود؛ اگر شاهنامه نبود قطعاً خاوران‌نامه‌ای نیز نوشته نمی‌شد. بحث دیگر، بحث «نوخوانی» است مثل «خسرو و شیرین» نظامی در مقابل داستان «خسرو و شیرین» شاهنامه؛ از داستان اولیّه یک نوخوانی به همراه گسترش داستان اتفاق افتاده و می‌بینیم که مثلاً شخصیت منفی شیرین به مثبت تغییر پیدا می‌کند. در بحث «همخوانی» می‌توان به دو کتاب «بهارستان» و «گلستان» اشاره کرد. بحث دیگر «واخوانی» است؛ مثلاً «خسرو و شیرین» نظامی نزد «وحشی‌بافقی» به داستان «فرهاد و شیرین» تبدیل می‌شود که تا حدودی با انکار روایت پیشین همراه است و قهرمان داستان تغییر هویت می‌دهد و قهرمان تازه‌ای از شخصیتی حاشیه‌ای متولد شده، به شخصیت اصلی داستان تبدیل می‌شود. نهایتاً «مخالف‌خوانی» است، همان چیزی که اصطلاحاً به آن «تراپیشی» هم گفته می‌شود، نوعی تخریب متن گذشته و خوانش مخالف آن است. (نامور مطلق، ۱۳۹۴) البته پارودی (نقیضه‌پردازی) یعنی تقلید طنزگونه از کار هنری دیگر به قصد نقد اثر یا طنزپردازی هم می‌تواند از انواع بدخوانی حساب شود، مثلاً

«التفصیل» فریدون تولکی که تقلیدی طنزگونه از گلستان و تحت تأثیر «رساله تعریفات» عبید است. (جدیدی ۱۳۹۷: ۱۶۶)

ادیب‌الممالک فراهانی و چکامه نهم او

میرزا محمد صادق فراهانی ملقب به ادیب‌الممالک متخلص به امیری در ۱۱ مرداد ۱۲۳۹ ش/۱۴ محرم ۱۲۷۷ ق در گازران اراک زاده شد. (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۴: ۳۴/۱) او فرزند حاج میرزا حسین، نواده میرزا معصوم (متخلص به «محیط») و مادرش دختر میرزا ابوالقاسم قائم مقام، وزیر محمدشاه قاجار بود. (قاسمی، ۱۳۸۶: ۹) از ۳۱۶ ق روزنامه ادب را در تبریز مشهد و تهران منتشر کرد. (آرین پور، ۱۳۷۲: ۲۴۸/۱) اگر ادیب‌الممالک را در صدر شاعران مشروطه قرار ندهیم، البته باید یکی از پیشاهنگان تمایل به خط مشروطیت به حساب آوریم. (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۳۴۵) وی اگر چه همیشه ادیب و قصیده سرا ماند، بعضی از اشعار خود را وقف مضامین وطنی و اجتماعی کرد. (آرین پور، ۱۳۷۲: ۱۲۳/۲) ادیب سردبیر روزنامه‌های مهمی چون مجلس، عراق عجم، ایران و آفتاب بود و علاوه بر ادب فارسی از جمله برجستگان ادبیات عربی محسوب می‌شد. همچنین آگاهی‌های فقهی و حقوقی فراوانش باعث شد سال‌ها در خدمت وزارت عدلیه باشد و به ریاست عدلیه سمنان، ساوجبلاغ، اراک و یزد منصوب گردید. (رنجبر، ۱۳۵۰: ۱۰) در ۱۳۳۵ ق هنگامی که مأمور عدلیه یزد بود سخته کرد و به تهران آمد و در چهارشنبه ۲۸ ربیع‌الثانی همان سال درگذشت و در حرم عبدالعظیم حسنی مدفون گردید. (آرین پور، ۱۳۷۲: ۱۱۳۸/۲) او چهار تخلص پروانه، صادق، امیری و ادیب و دو لقب شعری امیرالشعرا و ادیب‌الممالک را داشته است. (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۴: ۳۴/۱) ادیب آثار فراوان غیر شعری داشته که تنها بعضی از آنها در دست است. (برای آگاهی کامل ر.ک همان: ۱۹۷-۲۹۷) اشعارش شامل ۱۵۰ چکامه، ۱۲ مسمط، ۷ ترکیب و ترجیع‌بند، ۳۰ غزل، ۵ سروده، ۵۸ مثنوی کوتاه و بلند، ۳۶۶ قطعه، ۲۰۱ رباعی، ۹ اثر نویافته، ۲۰ شعر منسوب، مفردات و پیوست‌های فرهنگ فارسی است. (ادیب‌الممالک فراهانی: ۱۳۸۴، ج ۲)

عنوان نهمین چکامه‌اش با ۱۵۴ بیت «توپ بستن روس به بارگاه امام هشتم (ع)» است که به قول وحید دستگردی «در حماسه و نکوهش زمامداران ایران هنگام توپ بستن سپاهیان تزاری روس به بارگاه امام هشتم» (همان: ۵۲) سروده شده است. البته تاریخ سرایش این چکامه باید پس از یازدهم ربیع‌الثانی ۱۳۳۰ ق باشد و قطعاً تاریخ ۱۳۲۶ ق که در تصحیح دیوان ادیب به کوشش وحید و همچنین موسوی گرمارودی ذکر شده نادرست است.

بینامتنیت قرآنی و حدیثی در چکامه نهم ادیب‌الممالک فراهانی

(به توپ بستن بارگاه امام هشتم)

حرم امام رضا (ع) در دوره قاجار دوبار مورد تعرض واقع شده؛ اول در ۱۲۶۵ق در زمان محمدشاه به وسیله حسنخان (سالار)، فرزند الیهیارخان آصف‌الدوله، حاکم خراسان که مقداری از ظروف طلا و نقره و جواهرات و... حرم را غارت کرد تا بتواند هزینه جنگ با نیروهای دولتی را تأمین کند. (برای آگاهی بیشتر ر.ک: سپهر ۱۳۷۷: ۳/۷۵ و ۲۷۷؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۳/۱۶۵)

دوم در زمان احمد شاه پس از التیماتوم روس به ایران پس از سال ۱۹۰۷م که مشروطه خواهان به حرم پناه آورده بودند تا در مقاومت کنند که با یورش قشون تزاری مواجه شدند. در این فاجعه علاوه بر شلیک به گنبد و آستان امام، عده‌ای بی‌گناه کشته و مجروح شدند و خساراتی به بار آمد و دولت تزاری حاکمیت سیاسی ایران را به طور آشکارا نقض کرد. این واقعه در عصر دهم فروردین ۱۲۹۱ش/۱۳۳۰ق/۱۹۱۲م اتفاق افتاد. «سردرها و گلدسته‌ها خراب شدند و خزانه حضرت نیز غارت گردید. عده زیادی در اثر تیراندازی به شهادت رسیدند. تعداد مقتولین از دویست نفر تجاوز کرد.» (عاقلی، ۱۳۸۷: ۹۱/۱) ادیب در بیت ۴۷ همین چکامه سروده است:

چار ارکان جهان را لرزه در پیکر فتاد تا فتاد از توپ دشمن لرزه بر کاخ رضا
(ادیب‌الممالک، ۱۳۸۷: ۳۶)

پیشینه پژوهش

در زمینه بینامتنیت و جنبه‌های گوناگونش پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته: کتاب‌های آلن گراهام تحت عنوان «بینامتنیت» در ۱۳۸۰ و «کلام، مکالمه و رمان» از ژولیا کریستوا توسط پیام یزدانجو در ۱۳۸۱ ترجمه و منتشر گردیده؛ کتاب‌های «درآمدی بر بینامتنیت، نظریه‌ها و کاربردها» و «بینامتنیت از ساختارگرایی تا پسامدرنیسم» از بهمن نامور مطلق که در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۰ منتشر شده‌است و «مجموعه مقالات همایش ملی بینامتنیت» هم در سال ۱۳۹۳ به کوشش سید محمد رضی مصطفوی نیا به چاپ رسیده.

آثار فراوانی در رابطه با تأثیر قرآن و حدیث بر ادب فارسی و شکل‌های مختلف آن نگاشته شده که از آن جمله به کتاب‌های «در قلمرو آفتاب» اثر دکتر علی محمد مؤذنی (۱۳۷۱) و «تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی» تألیف علی اصغر حلبی (۱۳۷۱) و «گزیده‌ای از تأثیر قرآن بر نظم فارسی» به کوشش سید عبدالحمید حیرت سجادی (۱۳۷۲) می‌توان اشاره کرد. اما آنچه ارتباط مستقیم با موضوع این مقاله پیدا می‌کند بررسی بینامتنیت، بین بعضی اشعار فارسی با متون مقدسی مانند قرآن و نهج‌البلاغه و دیگر مجموعه‌های حدیثی است. از جمله این پژوهش‌ها این مقالات را می‌توان ذکر کرد: «جلوه‌های بینامتنی قرآن کریم در شعر قیصر امین‌پور»، از علی قنبری و رضا عبدالمالکی (۱۳۹۱)؛ «رابطه نیما با سعدی بر اساس نظریه اضطراب تأثیر هرولد بلوم» از

قدرت اله طاهری و سودابه فرّخی (۱۳۹۲)؛ «بینامتنیت قرآنی در غزلیات حافظ شیرازی»، از احمد رضا یلمه‌ها و مسلم رجیبی (۱۳۹۳)؛ «تجلی آیات الهی در اشعار سنایی بر اساس بینامتنیت ژرار ژنت»، از احمد رضا یلمه‌ها و مسلم رجیبی (۱۳۹۶)؛ «تحلیل روابط بینامتنی قرآن و غزل‌های صائب بر اساس نظریه ژنت»، از جلال عباسی و محمد آهی (۱۳۹۷)؛ «بینامتنیت واژگان و مفاهیم قرآنی در منظومه ویس و رامین» از علی تسنیمی و ریحانه صادقی (۱۳۹۸)؛ در مورد زندگی‌نامه و جنبه‌های گوناگون ادبی-هنری اشعار ادیب و واقعه هجوم تزاریان روس به حرم امام رضا (ع) نیز مقالات و کتب فراوانی به نگارش درآمده، که به دلیل عدم ارتباط مستقیم با موضوع این مقاله از ذکر آنها خودداری می‌شود.

بینامتنیت قرآنی و حدیثی در چکامه نهم ادیب‌الممالک

در بیست و پنج بیت این چکامه ۱۵۴ بیتی، از جنبه‌های مختلف واژگانی، مضمونی و شخصیتی شاهد جلوه‌های گوناگون بینامتنی قرآنی و گاه حدیثی هستیم که به ترتیب، ابتدا ابیات با شماره به عنوان متن حاضر ذکر می‌شود و سپس آیه (گاه نشانی آیه) و یا حدیث به عنوان متن غایب آورده می‌شود و آنگاه به اختصار عملیات بینامتنی بیان می‌گردد:

۴. آن سلیمانم که نی‌دیوم برد انگشتی نی ز آصف خواست‌خواهم تخت‌بلقیس از سبا^۲

(ادیب‌الممالک، ۱۳۸۴ ج ۲/ص ۳۲)

قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ... (سلیمان) گفت: «ای بزرگان! کدام یک از شما تخت او را برای من می‌آورد پیش از آنکه به حال تسلیم نزد من آیند؟- عفریتی از جنّ گفت: «من آن را نزد تو می‌آورم پیش از آنکه از مجلست برخیزی و من نسبت به این امر، توانا و امینم.» - اما کسی که دانشی از کتاب (آسمانی) داشت گفت: «پیش از آنکه چشم بر هم زنی، آن را نزد تو خواهم آورد!» و هنگامی که (سلیمان) آن (تخت) را نزد خود ثابت و پابرجا دید گفت: «این از فضل پروردگار من است، تا مرا آزمایش کند که آیا شکر او را به جا می‌آورم یا کفران می‌کنم؟! و هر کس شکر کند، به نفع خود شکر می‌کند؛ و هر کس کفران نماید، پروردگارم، غنی و کریم است. (نمل: ۳۸-۴۰)

۲. ابیات ادیب‌الممالک از صفحات ۳۲ تا ۴۵ جلد دوم دیوان مصحح موسوی گرماردی (۱۳۸۴) نقل شده، عدد سمت راست شماره بیت در چکامه است. آدرس آیات قرآن (نام سوره: شماره آیه)

بینامتنیت قرآنی و حدیثی در چکامه نهم ادیب‌الممالک فراهانی

(به توپ بستن بارگاه امام هشتم)

عملیات بینامتنی: در داستان‌های قرآنی مربوط به سلیمان نبی، سخن از فرمانبری دیوان، از ایشان شده. هدهد خبر می‌دهد زنی در مُلکِ سبا فرمانده گروهی مشرکست. سلیمان به احضارش امر می‌کند و می‌خواهد تخت ملکه را نیز حاضر کنند. عفریت جنی از آوردن تخت، پیش از آن که سلیمان از جایش برخیزد خبر می‌دهد، دیگری تخت را در چشم برهم زدن می‌آورد. مفسران، این مرد را آصف‌بن برخیا وزیر معتمد، دوست و به قولی کاتب و آموزگار کودکی سلیمان و آگاه به اسم اعظم الهی و مستجاب‌الدعوه دانسته‌اند.

در ادامه دیوی به نام صخر، خاتم سلیمانی را ربوده، در هیأت سلیمان بر تخت می‌نشیند و اساس کار خویش بر ستم و تبه‌کاری می‌نهد. آصف که رفتار پیامبر خدا را غیرعادی می‌بیند، در کارش مشکوک می‌شود و نهایتاً نگین را به سلیمان بازمی‌گرداند. بعضی مناجات سلیمان (صاد: ۳۴) که خواهش ملکی دارد که پس از او به کسی بخشیده نشود را، به زمان یاره شدن انگشتر و از دست دادن سلطنتش می‌دانند. (برای توضیح ر.ک: شمیسا، ۱۳۶۹: ۳۳۶) با این تلمیحات مندرج در بیت، بینامتنیتی صریح با قرآن، در حوزه مضمونی و شخصیتی مشاهده می‌گردد. همچنین نوعی بدخوانی با توجه به مضمون بیت قابل برداشت است زیرا شاعر همت و بی‌نیازی خود را از سلیمان برتر می‌داند.

۵. آن خلیفه داوود کاندر پی وصل بتان دامن شهوت نیالایم به خون اوریا

عملیات بینامتنی: این بیت از اسرائیلیاتی سرچشمه می‌گیرد که برخاسته از بعضی تفاسیر قرآن از جمله تفسیر طبری (۹۴/۲۳) و ذر المنثور (۵/ ۳۰۰) است. خلاصه روایت این گونه است که شیطان مثل کبوتری طلایی مقابل حضرت داوود، در محراب ظاهر می‌شود. داود که دارای ۹۹ همسر است، برای گرفتن کبوتر به گنبد مسجد می‌رود، نگاهش به زنی بسیار زیبا می‌افتد که مشغول شستن خود است. عاشق آن زن (همسر اوریا از فرماندهانش) می‌شود. دستور می‌دهد اوریا پیشاپیش تابوت عهد به جنگ رود تا کشته شود، پس از پیروزی در دو نبرد، نهایتاً در جنگ سوم کشته می‌شود و داود همسرش را تزویج می‌کند، سلیمان از آن زن متولد می‌گردد. (ن.ک: محمد قاسمی، ۱۳۸۸: ۳۷۳) البته ادیب ضمن اشاره به این داستان غلط، داود نبی (ع) را از این امر تبرئه می‌کند.

در تفاسیر کشف (۸۰/۴)، روح البیان (۱۹/۸) و نسفی (۱۴۸۳/۳) داستان به این شکل نقل شده که داود (ع) وقتی از زن اوریا خوشش آمد، طبق سنتی که آن زمان بود از وی خواست زنش را طلاق دهد، او چنین کرد تا داود عقدش کند و سلیمان از این زن متولد شود! (همان) در

هر دو صورت بینامتنیت صریح، در شکل شخصیتی مشاهده می‌گردد که متأثر از اسرائیلیات مندرج در تفاسیر قرآن است.

۱۵. من سفیر ایزدم بر جمع حیوان و بشر
من خلیفه کردگارم بر جماد و بر گیا
وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ... (به خاطر بیاور) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من در روی زمین، جانشینی قرار خواهم داد.» فرشتگان گفتند: «پروردگارا! آیا کسی را در آن قرار می‌دهی که فساد و خونریزی کند؟! ما تسبیح و حمد تو را به جا می‌آوریم، و تو را تقدیس می‌کنیم.» پروردگار فرمود: «من حقایقی را می‌دانم که شما نمی‌دانید. (بقره: ۳۰)

عملیات بینامتنی: انسان خلیفه گماشته خدا در زمینست، پروردگار پس از آفرینش او، خویش را به نعتِ احسن‌الخالقین و وی را به داشتن کرامت و شرافت ستوده است. (مؤمنون: ۱۴؛ اسرا: ۷۰) بینامتنیت موضوعی به شکل استفاده از واژگان و مفاهیم قرآنی در بیت دیده می‌شود.
۱۸. با سهیلم همعنان در گردش بالا و پست
با قریشم همسفر در رحله صیف و شتا
لِلْيَأْفِ قُرَيْشٍ... به خاطر این بود که قریش الفت گیرند- اُلفت آنها در سفرهای زمستانه و تابستانه. (قریش: ۱-۲)

عملیات بینامتنی: پروردگار به قریشیان نعمت‌های خاصش را یادآوری می‌کند: (سفرها، اُلفت بینشان) و آنها را به عبادت امر می‌فرماید. بهره‌جویی از واژگان و مفاهیم قرآنی در این بینامتنیت صریحاً قابل تأمل است. ضمن آنکه بدخوانی از محتوای آیه در مقام مفاخره شاعرانه دیده می‌شود و شاعر سفرهای زیاد خود را جلوه‌ای از نعمات الهی برمی‌شمارد که پیش از او در حق قوم قریش افزوده شده و با مواهب دیگری چون نجات از جوع و امنیت بخشی همراه گردیده است.
۲۳. مرد اشکمخواره دایم دردمند آید از آنک
معه باشد بیت داء، پرهیز شد رأس الدوا
قال رسول الله (ص): الْمَعْدَةُ بَيْتٌ كُلُّ دَاءٍ وَ الْحَمِيَّةُ رَأْسُ كُلِّ دَوَاءٍ: معده خانه هر دردی و پرهیز اساس هر داروی شفابخشی است. (مجلسی، ۱۳۵۹: ۶۲ / ۲۹۰)

عملیات بینامتنی: در این بیت به حدیث پیامبر اکرم (ص) استناد شده؛ ایشان پرخوری را باعث تمامی امراض معرفی فرمودند. با بهره‌جویی از «معه، بیت داء، رأس الدواء» و آوردن مفهوم حدیث فوق، کاملاً از این روایت بهره برده است. بر اساس دیدگاه ژرار ژنتی بینامتنیت مذکور، صریح است.

۲۴. آنکه خورد از خوان يُطعمنی وَ يَسقيني نوال
تا ابد سیراب و سیرست از شراب و از غذا
این روایت رسول اکرم (ص) به صورت‌های مختلف در کتب حدیثی و عرفانی نقل شده (برای آگاهی بیشتر ر.ک: صدری‌نیا، ۱۳۸۰: ۵) که مشهورترین شکلش این گونه است: أُبَيْتُ عِنْدَ

بینامتنیت قرآنی و حدیثی در چکامه نهم ادیب‌الممالک فراهانی

(به توپ بستن بارگاه امام هشتم)

رَبِّي يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِي؛ در نزد خدای خویش بیتوته کردم او به من غذا خوراند و سیرابم کرد.
(برای اسناد حدیث ر.ک: حسینی نژاد و دیگران، ۱۳۹۵: ۷۳-۷۴)

عملیات بینامتنی: نوال به معنای بخشش و دهش (دهخدا، ۱۳۷۷) از سوی پروردگار صورت گرفته و بنده را تا همیشه از گرسنگی و تشنگی کفایت کرده است. این حدیث به ظاهر رهاورد سفر رسول خدا به معراج است. طعام و شرابی که در آن یاد شده از جنس خوراک و نوشاک این جهانی نیست بلکه مراد، طعام علم لدنی و شراب معرفت است. (مدنی، ۱۴۱۵: ۲۸۰/۱) بینامتنیت این بیت واژگانی و صریح است.

۲۵. چون صَلَات و نُسْک نِیْ لَهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ تَصَدِیْهِ بِاشْهَادِ دَرُوْنِ کَعْبَةِ حَقٍّ یَا مُکَا
قُلْ اِنَّ صَلَاتِیْ وَنُسُکِیْ... بگو: «نماز و عبادات و زندگی و مرگم، همه برای خداوند پروردگار
جهانیان است.» (انعام: ۱۶۲)

عملیات بینامتنی: مخاطب آیه رسول اکرم (ص) است که خدا به ایشان می‌فرماید: ای محمد، ای نبی ما، این بت پرستان کسانی هستند که از تو می‌خواهند طبق هوا و هوس باطل آنها عمل نمایی و خدایان و بت‌هایشان را پرستش کنی، به آنها بگو: نماز و عبادت و قربانی کردن و زندگانی و مرگ همگی برای خدا خالص شده و باورم مثل شما نیست. پروردگارم مرا به آن دستور داده و من اولین تسلیم شده به فرمان اویم. (طبرسی، ۱۳۸۳: ۸۲/۸-۸۳) صَلَات به معنای نماز، و نُسْک نیز به مفهوم عبادت، قربانی و ذبیحه (دهخدا، ۱۳۷۷) است که به امر الهی باید تنها برای او باشد. شاعر با ذکر واژگان و مفاهیم قرآنی به شکلی صریح از این آیه بهره برده است.
وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ... نمازشان نزد خانه خدا، چیزی جز «سوت کشیدن» و «کف زدن» نبود؛ پس بچشید عذاب را به خاطر کفرتان. (انفال: ۳۵)

عملیات بینامتنی: شاعر نماز و عباداتی که برای پروردگار جهانیان نباشد را مانند نماز کافران و مشرکان چیزی جز سوت و کف نمی‌داند. ابن عباس تصریح دارد که مشرکین، به سنت جاهلیت، هنگام طواف، عریان شده، سوت و کف می‌زدند. معنای صَلَاتُهُمْ در آیه یعنی دعا و تسبیح آنها. (طبرسی، ۱۳۸۳: ۸۳۱/۴) بینامتنیتی صریح در مصراع دوم، با استفاده از واژگان و مضمون آیه دیده می‌شود.

۲۶. آنکه از دین دور، کارش چیست بایعسوب دین؟ وآنکه گمراه از صراط است، از چه گوید: اِهْدِنَا

اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِیْمَ... ما را به راه راست هدایت کن. - راه کسانی که آنان را مشمول

نعمت خود ساختی؛ نه کسانی که بر آنان غضب کرده‌ای؛ و نه گمراهان. (حمد: ۶-۷)

عملیات بینامتنی: یَعْسُوب به معنای امیر زنبورهای عسل، مجازاً به رئیس هر قوم اطلاق می‌شود. در روایات پیامبر (ص) دو تعبیر یَعْسُوب الدِّین و یَعْسُوب المؤمنین به علی (ع) اطلاق شده و روایات مذکور در متون حدیثی شیعه و سنی وجود این لقب را برای مولا اثبات می‌کند. (فقیه ایمانی و ایزدی، ۱۳۹۴: ۱۰۸) یَعْسُوب دین راهنماست و اگر کسی اهل دین نباشد از او فرمانبری نخواهد کرد. در مصراع دوم نیز اشاره به آیات سوره فاتحه کاملاً مشخص است. شاعر با بهره گرفتن از قرآن و حدیث و ذکر یکی از القاب علی (ع) بینامتنیتی واژگانی و شخصیتی ساخته است.

۲۷. چون نماز از بهر غیرِ حق، چه زاید ز آن نماز
جز جنون و صرع، یا سرسام و مالخویلی
فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ... پس وای بر نمازگزارانی که - در نماز خود سهل انگاری می‌کنند - همان

کسانی که ریا می‌کنند - و دیگران را از وسایل ضروری زندگی منع می‌نمایند. (ماعون: ۴-۷)

عملیات بینامتنی: نماز نشانه بندگی است به شرطی که برای رضا و تقرب به حق باشد و اگر غیر خدا در آن لحاظ شود و همراه ریا باشد نتیجه‌ای جز عذاب و دردسر نخواهد داشت. در آیه ۱۴۲ نسا از نشانه‌های نفاق، به نماز ایستادن با کسالت و بی‌حالی شمرده شده و در آیه ۵۴ توبه در مورد کفار آمده است که به نماز نمی‌آیند الا آنکه کسل و بی‌میل باشند. از رسول خدا (ص) درباره آیه ۱۱۰ سوره کهف: «پس هر که امید دیدار پروردگارش را دارد باید کاری شایسته کند و هیچ کس را شریک پروردگارش قرار ندهد» سؤال شد، حضرت فرمود: هر که برای خودنمایی به مردم نماز گزارد مشرک است. (قمی، ۱۴۰۴: ۴۷/۲)

۲۹. شیریزدان گفت: ز استغنا غنی گردند خلق
نیز احمد گفت: باشد مانع روزی حیا
عملیات بینامتنی: شاعر از استغنا (بی‌نیازی) معنای قناعت را هم اراده کرده و به جملاتی از علی (ع) نظر داشته است که فرمودند: اَلْغَنِيُّ مَنْ اَثَرَ الْقِنَاعَةِ: توانگر کسی است که قناعت را پیشه خود سازد. (آمدی، ۱۳۸۸: ۷۸) و در جای دیگر: اَلْغَنِيُّ مَنْ اسْتَعْنَى بِالْقِنَاعَةِ: غنی و بی‌نیاز کسی است که با قناعت بی‌نیاز باشد. (همان ص ۱۸۱) رسول اکرم (ص) نیز فرمودند: عَزَّ مَنْ قَنَعَ؛ آنکه قناعت ورزید عزیز می‌گردد. (مازندرانی، ۱۳۴۲: ۱۸۱/۸) در مصراع دوم به حیایی اشاره شده که ممدوح نیست و مانع روزی است. همان گونه که پیامبر (ص) فرمودند: هیچ عملی را از روی ریا و خودنمایی انجام مده و از سر حیا و شرم آن را رها مکن (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۵۸) امام صادق (ع) نیز فرمودند: کسی که از طلب مال حلال حیا نکند، هزینه‌هایش سبک شود و خداوند خانواده‌اش را از نعمت خویش بهره‌مند گرداند. (همان، ۵۷)

۳۰. رزقم آن مولا دهد کاو تاج استغنا نهاد
بر سر من ذاک فضل الله یؤتی من یشا

بینامتنیت قرآنی و حدیثی در چکامه نهم ادیب‌الممالک فراهانی

(به توپ بستن بارگاه امام هشتم)

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ... هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر اینکه روزی او بر خداست! او قرارگاه و محل نقل و انتقالش را می‌داند؛ همه اینها در کتاب آشکاری ثبت است! (هود: ۶)

ذَلِكَ فَضْلٌ... این، فضل خداست که به هر کس بخواهد می‌دهد؛ و (فضل) خدا وسیع، و خداوند داناست. (مائده: ۵۴) - ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ این فضل خداست که به هر کس بخواهد می‌بخشد؛ و خداوند صاحب فضل عظیم است. (جمعه: ۴)

عملیات بینامتنی: در بیت با آوردن بخش‌هایی از آیات قرآن و بهره‌جویی واژگانی و مفهومی به شکل صریح از اثر غایب، استفاده شده است. شاعر رزق خویش را مانند سایر جنبدگان از پروردگار می‌داند و بی‌نیازی و استغنائی از دیگران را تاجی می‌داند که خدا بر سرش نهاده است.

۳۲. موسیٰ عمران مرا داند چو هارون وزیر
عیسیٰ مریم مرا خواند چو شمعون الصفا
وَأَجْعَلْ لِي وَزِيرًا... وزیری از خاندانم برای من قرار ده - برادرم هارون را - با او پشتم را
محکم کن؛ و او را در کارم شریک ساز. (طه ۲۹-۳۲)

عملیات بینامتنی: وزیر بر وزن فعلیل، به معنای حمل سنگینی است و اگر وزیر را وزیر گفته‌اند به این جهت بوده که حامل ثقل و سنگینی پادشاه است... موسی (ع) از پروردگارش درخواست می‌کند که از خاندانش وزیری برایش قرار دهد، آنگاه آن را بیان می‌کند که منظورم هارون برادرم می‌باشد. (طباطبایی، ۱۴۰۲: ۱۴/۲۰۳) در ملل و نحل شهرستانی (۲/ ۳۴-۳۵) آمده شمعون الصفا یا قانوی از حواریون است که گویند انجیلی تألیف کرد ولی به اسم شاگردش مرقس نمود. در نهایت او را به تحریک کاهنان یهودی با ارّه به دو نیم کردند. وی برترین حواریون بود از جهت علم، زهد و ادب. (دهخدا، ۱۳۷۷) در این بیت بینامتنیت با استفاده از شخصیت‌ها به شکل صریح دیده می‌شود.

۶۱. من تو را دارم که اندر ملک استغنا و ناز
کامرانستی و الأسماء تنزل من سما
عملیات بینامتنی: عبارت أَنَّ الْأَسْمَاءَ تُنَزَّلُ مِنَ السَّمَاءِ در بحارالانوار (مجلسی: ۳۲۹/۴۸) آمده اما حدیث نیست بلکه ظاهراً جمله‌ای معروف است. دهخدا آن را جزو مثل‌ها آورده (۱۳۷۴: ۲۳۳/۱) و میدانی آن را به شکل الْأَلْقَابُ تُنَزَّلُ مِنَ السَّمَاءِ ضبط کرده است. (میدانی، ۲/ ۲۱۱) «کامران» نام ممدوح شاعریست و او این اسم را با مسماً و آمده از آسمان می‌داند.

۷۳. گفت پیغمبر که هرکس تشنه‌ای را آب داد
هست اجرش چون ولایت بر علی مرتضی
عملیات بینامتنی: احادیث فراوانی در خصوص پاداش آب نوشاندن به انسان و حیوان و گیاهان وارد شده که در یکی از آنها از علی (ع) ذکری به میان آمده که به احتمال فراوان ادیب به همین حدیث اشاره دارد. در کشف الیقین علامه حلی و مناقب خوارزمی آمده که پیامبر (ص)

برای اصحاب نقل می‌فرمایند که عمویشان حمزه و پسرعمویشان جعفر طیار را پس از شهادتشان به خواب می‌بینند و از آنها سؤال می‌کنند کدام یک از اعمال نیکویان را پرفضی‌تر یافتید؟ آن دو پاسخ می‌دهند: پدر و مادر ما فدایتان باد، در بین اعمال خوب و پسندیده، ارزنده‌تر از این سه عمل چیزی نیافتیم؛ درود و صلوات فرستادن بر شما، سیراب کردن تشنگان و داشتن ولایت و محبت علی (ع). (علامه حلی، ۱۳۷۴: ۲۶۷) مفهوم به شکل غیر صریح بیان گردیده است.

۷۵. در پی هر قطره‌ای بحریّت بخشد حق، از آنک
مُحسنان را داد خواهد، عَشْرَةَ أَمْثَالِهَا
مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا... هر کس کار نیکی به جا آورد، ده برابر آن پاداش دارد، و هر کس کار بدی انجام دهد، جز به مانند آن، کیفر نخواهد دید؛ و ستمی بر آنها نخواهد شد. (انعام: ۱۶۰)

عملیات بینامتنی: مفهوم یافتن پاداش ده برابر برای نیکوکاران دقیقاً بر اساس قرآنست. در المیزان آمده: این آیه که کلامی است مستقل و تمام، یکی از منت‌های خداوند را که بر بندگان خود نهاده، ذکر می‌کند و آن این است که خداوند عمل نیک را ده برابر پاداش می‌دهد و عمل زشت و گناهان را جز به مثل تلافی نمی‌کند... و در آن ظلم نمی‌کند یعنی از پاداش آن نمی‌کاهد و کیفر آن را بیشتر نمی‌دهد. (طباطبایی، ۱۴۰۲: ۷ / ۵۳۸) بینامتنیت بر اساس واژگان و محتوا به شکل صریح است.

۷۷. نوح را کردی زهمت غرقه در طوفان فیض
ریختی در جام خضر از فضل خود آب بقا
وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا... او گفت: «به نام خدا بر آن سوار شوید! و هنگام حرکت و توقف کشتی، یاد او کنید، که پروردگرم آمرزنده و مهربان است.» - و آن کشتی، آنها را از میان امواجی همچون کوه‌ها حرکت می‌داد؛ (هود: ۴۲)

عملیات بینامتنی: به داستان نوح و طوفان در آیاتی از سوره‌های مختلف قرآن (آل عمران، نسا، انعام، یونس، هود، اسراء، مؤمنون، عنکبوت، شعرا، قمر، صافات، نوح و شورا) اشاره شده است. در مورد مصراع دوم باید گفت: برخی روایات از طرق شیعه و سنی نقل شده که حضرت خضر(ع) پیامبری است که از آب حیات نوشیده است، هنوز زنده است و با موسی همسفر شده که داستان این همراهی در سوره کهف آمده. علامه طباطبایی در این روایت تردید فرموده، می‌گویند: «این روایات و امثال آن روایات آحادی (خبر واحدی است) که قطع به صدورش نداریم و از قرآن کریم و سنت قطعی و عقل هم دلیل بر توجیه و تصحیح آنها نداریم.» (برای توضیح ر.ک: طباطبایی، ۱۴۰۲: ۱۳ / ۴۸۹، ذیل آیات ۶۰ تا ۸۲ سوره کهف) در این بیت نیز اثر پذیری از اشخاص و داستان‌های قرآنی به خوبی هویدا است.

بینامتنیت قرآنی و حدیثی در چکامه نهم ادیب‌الممالک فراهانی

(به توپ بستن بارگاه امام هشتم)

۷۸. از ولایت آبشاری ساختی چون سلسبیل که کند جبرئیل چون مرغایبان در آن شنا

عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا از چشمه‌ای در بهشت که نامش سلسبیل است. (انسان: ۱۸)

عملیات بینامتنی: استفاده از واژگان قرآنی و بینامتنیت صریح در بیت مشاهده می‌شود. سلسبیل به معنای نوشیدنی گوارا و خوشمزه که به راحتی در دهان و گلو جاری می‌شود. (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۸۵/۱۰) این واژه در قرآن به چشمه‌ای در بهشت گفته شده. آب این چشمه از شراب بهشتی آمیخته به زنجبیل (چشمه‌ای دیگر در بهشت) تشکیل یافته است. اینکه جبرئیل در آن چشمه شنا کند بر ساخته ذهن شاعر است و مستند به آیه یا حدیثی نیست.

۹۴. چوب‌چوپانی است در پیش‌شعب، آن‌کاوئدی پیش‌جادو اژدهاگش، پیش فرعون اژدها

فَأَلْقَى عَصَاهُ... عصای خود را افکند؛ ناگهان اژدهای آشکاری شد. (اعراف: ۱۰۷) - وَأَوْحَيْنَا إِلَيْكَ... به موسی وحی کردیم که: «عصای خود را بیفکن!» ناگهان وسایل دروغین آنها را به سرعت برمی‌گرفت. (اعراف: ۱۱۷) - قَالَ هِيَ عَصَايَ... گفت: «این عصای منست؛ بر آن تکیه می‌کنم، برگ درختان را برای گوسفندانم فرومی‌ریزم؛ و مرا با آن کارها و نیازهای دیگری است. (طه: ۱۸) - فَأَلْقَى عَصَاهُ... در این هنگام موسی عصای خود را افکند، و ناگهان مار عظیم و آشکاری شد. (شعراء: ۳۲) - وَأَلْقَى عَصَاكَ فَلَمَّا... و عصایت را بیفکن! هنگامی که به آن نگاه کرد، دید همچون ماری به هر سو می‌دود، به عقب برگشت، و حتی پشت سر خود را نگاه نکرد؛ ای موسی! نترس، که رسولان در نزد من نمی‌ترسند. (نمل: ۱۰) - وَأَنْ أَلْقِ عَصَاكَ... «عصایت را بیفکن!» هنگامی که دید همچون ماری با سرعت حرکت می‌کند، ترسید و به عقب برگشت، و حتی پشت سر خود را نگاه نکرد! ندا آمد: «برگرد و نترس، تو در امان هستی.» (قصص: ۳۱)

عملیات بینامتنی: داستان اژدها شدن عصای موسی در آیات فراوانی از قرآن آمده. این عصا طبق آنچه در روایات و تفاسیر ذکر شده از آن حضرت آدم بود که به نوح نبی و سپس به ابراهیم خلیل و از او به شعیب (ع) رسیده بود. حضرت شعیب نیز آن را به موسی (ع) بخشید. (برای روایات دیگر ر.ک: مجلسی، ۱۳۵۹: ۲۹/۱۳-۳۰) طبق آیاتی که گذشت این عصا در دستان موسی به اژدها تبدیل شد و مارهای ساحران را بلعید، موسی این عصا را به سنگ زد و ۱۲ چشمه از آن جوشید. (بقره: ۶۰) به نیل زد تا راه گشوده شد. (شعراء: ۶۳) و با آن چوپانی می‌کرد و برای گوسفندان از درخت برگ‌ها را می‌ریخت. (طه: ۲۰)

۹۵. شاه بسیار است اندر جمع حیوانات، لیک شاه نحل است آن‌کش آید وحی و زاید زو شفا

وَأَوْحَى رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ... و پروردگارت به زنبور عسل «وحی» نمود که: «از کوه‌ها و درختان و داربست‌هایی که مردم می‌سازند، خانه‌هایی برگزین. سپس از تمام ثمرات بخور و

راه‌هایی را که پروردگارت برای تو تعیین کرده است، به راحتی ببیما!» از درون شکم آنها، نوشیدنی با رنگ‌های مختلف خارج می‌شود که در آن، شفا برای مردم است؛ به یقین در این امر، نشانه روشنی است برای جمعیتی که می‌اندیشند. (نحل: ۶۸-۶۹)

عملیات بینامتنی: وحی به معنای اشاره و انتقال سریع و مخفی است که علاوه بر پیامبران الهی، شامل غرایز حیوانی هم می‌شود. (نحل: ۶۸) حتی افراد عادی چون مادر حضرت موسی نیز پذیرنده وحی می‌شدند. (قصص: ۷) و سوسه‌های شیطانی نیز نوعی وحی دانسته شده است. (انعام: ۱۲۱) در اصطلاح، الهامات غیبی پروردگار به فرستادگان خویش را وحی می‌گویند. عسل طبیعی نیز از چنان خاصیتی برخوردار است که قرآن آن را برای مردم شفا دانسته. در بیت به شکل صریح با استفاده از کلمات و مفاهیم قرآن بینامتنیت مشاهده می‌گردد.

۹۷. پادشاهی را سلیمان بن داوودی سزد تا کند بر وی وزارت، آصف بن برخیا
قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا... گفت: پروردگارا! مرا ببخش و حکومتی به من عطا کن
که بعد از من سزاوار هیچ کس نباشد، که تو بسیار بخشنده‌ای - پس ما باد را مسخر او ساختیم تا
به فرمانش به نرمی حرکت کند و به هر جا او می‌خواهد برود - شیاطین را مسخر او کردیم، هر
بنا و غواصی از آنها را - گروه دیگری را در غل و زنجیر قرار دادیم. (صاد: ۳۵-۳۸)

عملیات بینامتنی: با توجه بر آنچه در توضیح بیت پنجم گفته شد باید گفت شاعر پادشاهی را شایسته سلیمان فرزند داود می‌داند که وزیری چون آصف دارد. در قرآن از آصف نامی نیامده اما روایات او را صاحب اسم اعظم و دانش فراوان معرفی کرده‌اند که وزیر سلیمان نبی بوده. بینامتنیت شخصیتی به صورت صریح در بیت دیده می‌شود.

۱۰۵. کیست جزموسی ید بیضا برآرد ز آستین؟ کیست جز عیسی دهد بر آکمه و أبرص شفا؟
وَنَزَعَ يَدَهُ... و دست خود را بیرون آورد؛ برای بینندگان سفید بود (اعراف: ۱۰۸) - وَادْخِلْ
يَدَكَ... و دستت را در گریبان داخل کن؛ هنگامی که خارج می‌شود، سفید و درخشان است بی
آنکه عیبی در آن باشد؛ این در زمره معجزات نه‌گانه‌ای است که تو با آنها به سوی فرعون و
قومش فرستاده می‌شوی؛ آنان قومی فاسق و طغیانگرند. (نمل: ۱۲) همچنین در آیات دیگر قرآن
به این معجزه تصریح شده است. (برای مقایسه ر.ک: شعراء: ۳۴؛ طه: ۲۲؛ قصص: ۳۲)

وَرَسُولًا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ... و رسول و فرستاده به سوی بنی اسرائیل، من نشانه‌ای از طرف
پروردگارتان، برایتان آورده‌ام؛ من از گل، چیزی به شکل پرند می‌سازم؛ سپس در آن می‌دمم و به
فرمان خدا، پرند می‌گردد. و به اذن خدا، کور مادرزاد و مبتلایان به پستی را بهبود می‌بخشم؛
و مردگان را به اذن خدا زنده می‌کنم؛ و از آنچه می‌خورید، و در خانه‌های خود ذخیره می‌کنید،

بینامتنیت قرآنی و حدیثی در چکامه نهم ادیب‌الممالک فراهانی

(به توپ بستن بارگاه امام هشتم)

به شما خبر می‌دهم؛ مسلماً در اینها، نشانه‌ای برای شماست، اگر ایمان داشته باشید. (آل عمران: ۴۹)

...وَإِذِ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ... هنگامی که به فرمان من، از گِل چیزی به صورت پرنده می‌ساختی، و در آن می‌دمیدی، و به فرمان من، پرنده‌ای می‌شد؛ و کور مادرزاد، و مبتلا به بیماری پیسی را به فرمان من، شفا می‌دادی؛ و مردگان را (نیز) به فرمان من زنده می‌کردی... (مائده: ۱۱۰)

عملیات بینامتنی: همان طور که در آیات به عنوان متن غایب مشاهده می‌گردد به شکل صریح شاعر از واژگان و معانی آیات بهره برده است. یکی از معجزات حضرت موسی (ع) ید بیضا بوده و از معجزات حضرت عیسی (ع) نیز شفا دادن کور مادرزاد (اکمه) و مبتلا به پیسی (أبرص) بوده است.

۱۱۰. گفت هرکس شد شبیه قومی، از آنان بُوَد جز بدان چشمی که دارد از بَصْر کشف الغطا

عملیات بینامتنی: در این بیت به دو حدیث از علی (ع) اشاره گردیده؛ اولی روایتیست که به اشکال متنوعی ذکر شده: *مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ غَدَّ مِنْهُمْ، آنکه به گروهی همانند گردد از آنان شمرده می‌شود. (ابن حیون، ۱۳۸۵: ۵۱۳/۲) *مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ، هرکه به گروهی مانند گردد از آنان است. (شریف رضی، ۱۴۰۶: ۱۱۵) *** إِنْ لَمْ يَكُنْ حَلِيمًا فَتَحَلَّمْ، فَإِنَّهُ مِنْ تَشَبَهٍ بِقَوْمٍ إِلَّا أَوْشَكَ أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ، اگر بُردبار نیستی خویشتن را چون بُردباران کن زیرا هرآنکه شبیه سازد خود را به گروهی، امیدست آنکه بگردد چون آنان. (ابن ابی الحدید، ۲۷/۱۹) دومین روایت که در مصراع دوم بدان اشاره شده این حدیث از علی (ع) است: لَوْ كُشِفَ الْغِطَاءُ مَا زُودَتْ يَقِينًا، اگر پرده برداشته شود، من بر یقینم چیزی نمی‌افزایم. (آمدی، ۱۳۸۸: ۷۰۲)

۱۱۲. هم شبیهند این جماعت بر جهودان از هوس طبعشان نمود بر سلوی و بر من اکتفا

...وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّانَ وَالسَّلْوَى... و بر آنها «مَنَّ» و «سلوی» فرستادیم؛ از روزی‌های پاکیزه‌ای که به شما داده‌ایم، بخورید! به ما ستم نکردند، لکن به خودشان ستم می‌نمودند. (اعراف: ۱۶۰)

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنْجَيْنَاكُمْ... ای بنی اسرائیل! ما شما را از چنگال دشمنان نجات دادیم؛ و در طرف راست کوه طور، با شما وعده گذاردیم؛ و «مَنَّ» و «سلوی» بر شما نازل کردیم. (۸۰ طه: ۸۰)

عملیات بینامتنی: شاعر که از بزرگان و مردم نالایق روزگار خویش شکوه دارد با بهره‌جویی از واژگان و مضامین آیات قرآن، صریحاً سرشت آنها را همچون بنی اسرائیل در زمان موسی (ع)، پست و هوس‌آلود معرفی می‌کند.

۱۱۳. هر زمان در حضرت موسی عمران می‌زدند نغمه می‌خرج لَنَا مِنْ بَقْلِهَا قِشَائِهَا

وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى... و زمانی را که گفتید: «ای موسی! هرگز حاضر نیستیم به یک نوع غذا اکتفا کنیم! از خدای خود بخواه که از آنچه زمین می‌رویاند، از سبزیجات و خیار و سیر و عدس و پیازش، برای ما فراهم سازد.» موسی گفت: «آیا غذای پست‌تر را به جای غذای بهتر انتخاب می‌کنید؟! در شهری فرود آید؛ زیرا هر چه خواستید، در آنجا برای شما هست.» و مَهْرِ ذلت و نیاز، بر پیشانی آنها زده شد؛ و باز گرفتار خشم خدائی شدند؛ چرا که آنان نسبت به آیات الهی، کفر می‌ورزیدند؛ و پیامبران را به ناحق می‌کُشتند. اینها به خاطر آن بود که گناهکار و متجاوز بودند. (بقره: ۶۱)

عملیات بینامتنی: در ادامه بیت قبل شاعر متأثر از آیات قرآن است و با استفاده از کلمات و مضامین وحی، حرص و اضافه خواهی و اعتراض، ابنای روزگارش را به قوم ناسپاس بنی اسرائیل مانند می‌کند که سبزیجات و خیار و سیر و عدس و پیاز طلب می‌کردند و بر غذای واحد من و سلوی (عسل کوهستانی و گوشت تازه) شکر و شکیبایی نداشتند لذا خدا آنها را به این دو دلیل به خواری مبتلا کرد: یکی برای کفر و سرپیچی از دستورات خدا، و انحراف از توحید به سوی شرک؛ دیگر اینکه مردان حق و فرستادگان خدا را می‌کُشتند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۲۸۰/۱)

۱۳۲. غَرَّهَ شَدَّ مَحْرَمٌ بِسِحْرِ خَوْشٍ وَ چُونِ دِيَوَانِ رُبُودِ خاتم جم را که بُد مُلْكِ سَلِيمَانِش بَهَا فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ ... پس ما باد را مسخّر او ساختیم تا به فرمانش به نرمی حرکت کند و به هر جا او می‌خواهد برود. -شیاطین را مسخّر او کردیم، هر بنا و غواصی از آنها را - گروه دیگری را در غُل و زنجیر قرار دادیم. - این عطای ما است، به هر کس می‌خواهی - ببخش، و از هر کس می‌خواهی امساک کن، و حسابی بر تو نیست. (۳۶-۳۹: صاد: ۳۶-۳۹)

عملیات بینامتنی: در اینجا نیز شاعر با نظر به حکایت قرآنی و بهره‌جویی از آیات الهی صریحاً از متن قرآن بهره‌مند شده است.

۱۴۹. تا بدانند این همه مردم که نتواند گرفت جای دانش را جهالت، جای تقوا را ریا وَ لَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا... به یقین، گروه بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم؛ آنها دل‌ها [= عقل‌ها] بی‌دارند که با آن نمی‌فهمند؛ و چشمانی که با آن نمی‌بینند؛ و گوش‌هایی که با آن نمی‌شنوند؛ آنها همچون چهارپایانند؛ بلکه گمراهتر! اینان همان غافلانند. (۱۷۹: اعراف: ۱۷۹) - أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَمَّا... آیا کسی که می‌داند آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده حق است، همانند کسی است که نابیناست؟! تنها صاحبان اندیشه متذکر می‌شوند. (رعد: ۱۹) - وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ، و نابینا و بینا هرگز برابر نیستند. (فاطر: ۱۹) - فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ... پس وای بر

بینامتنیت قرآنی و حدیثی در چکامه نهم ادیب‌الممالک فراهانی

(به توپ بستن بارگاه امام هشتم)

نمازگزارانی که -در نماز خود سهل‌انگاری می‌کنند -همان کسانی که ریا می‌کنند. (۴-۶ ماعون: ۴-۶) -إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ... منافقان می‌خواهند خدا را فریب دهند؛ در حالی که او آنها را فریب می‌دهد؛ و هنگامی که به نماز برمی‌خیزند، با کسالت برمی‌خیزند؛ و در برابر مردم ریا می‌کنند؛ و خدا را جز اندکی یاد نمی‌نمایند. (نساء: ۱۴۲)

عملیات بینامتنی: به شکل ضمنی شاعر از مفاهیم قرآنی بهره‌مند شده و برتری دانش بر جهالت و عمل پرهیزکارانه بر کار ریاکارانه را بیان کرده است. ریا عملی است که برای اینکه دیگران ببینند شخصی انجام می‌دهد یعنی کار خوبی به قصد نشان دادن به مردم و نه برای تقرب به خداوند و طبق فرموده پیامبر شرک خفی یا اصغر است: از آنچه در مورد ائمت بسیار می‌ترسم شرک اصغر است. گفتند: شرک اصغر چیست؟ فرمودند: ریا. (برای روایات مرتبط رک: مجلسی: ۱۳۵۹: ۳۰۳/۷۲)

نتیجه

بررسی بینامتنیت قرآن و حدیث بر متون فارسی در ادبیات آیینی جایگاهی ویژه دارد. ژرار ژنت قائل به سه نوع بینامتنیت صریح، غیر صریح و ضمنی است که این سه نوع، میزان اثر پذیری متن حاضر را از متن غایب نمایان می‌سازد و به اشکال مختلف واژگانی، معنایی و شخصیتی دیده می‌شود. چکامه نهم ادیب‌الممالک فراهانی که پس از هجوم روسیه تزاری به حرم امام رضا (ع) در ۱۵۴ بیت سروده شده در ۲۵ بیت از آیات قرآنی و احادیث اهل بیت (ع) تأثیر پذیرفته (۱۶ درصد ابیات)، همچنین قرآن بیش از احادیث مورد توجه شاعر بوده است. استفاده‌های صریح از آیات و روایات نسبت به انواع غیر صریح و ضمنی، بسامد افزونتری دارد (۸۵ درصد موارد) و استفاده‌های واژگانی، معنایی و شخصیتی به ترتیب بیشتر مطمح نظر بوده است. آنچه گذشت نشان می‌دهد برای درک بهتر ژرفای سروده‌های ادیب‌الممالک، توجه به بینامتنیت اشعار با قرآن و روایات بسیار مهم است و از تسلط شاعر بر این دو منبع، خبر می‌دهد. او برای ترویج اندیشه‌های سیاسی - انتقادی خویش و اثرگذاری بهتر بر خوانندگان شعرش به خوبی از دانش قرآنی و روایی خود بهره برده، گاه با بیانی شاعرانه از این منابع نورانی برداشت‌های ذوقی دارد که نوعی قرائت تازه و بدخوانی محسوب می‌گردد، بنابراین برای درک مفاهیم و تفاسیر صحیح آیات و روایات باید به آیه‌های دیگر قرآن، روایات معصومین (ع) و تفاسیر معتبر قرآن کریم مراجعه نمود. او هنرش را به خدمت مردم آورده، ارتقای آگاهی و بینش سیاسی - اجتماعی آنان را فراموش نکرده است و به شکلی زیبا و مؤثر از آیات و روایات بهره‌مند شده است.

منابع

کتاب‌ها:

- ✽قرآن کریم، متن و ترجمه از پایگاه اطلاع رسانی حضرت آیت الله شیخ محمدجواد فاضل لنکرانی، قم.
۱. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید(۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه، ۱۰جلدی، به کوشش ابراهیم محمد ابوالفضل، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
 ۲. ابن حیون، نعمان بن محمد(۱۳۸۵ق)، دعائم الاسلام، ۲جلدی، به کوشش آصف فیضی، قم: مؤسسه آل‌البتیت(ع).
 ۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی(۱۳۶۳)، تحف العقول عن آل الرسول، ترجمه بهزاد جعفری، قم: غفاری.
 ۴. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی(۱۴۰۸ق)، تفسیر روض الجنان و روح الجنان، به کوشش محمد مهدی ناصح؛ محمد جعفر یاحقی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
 ۵. ادیب‌الممالک فراهانی(۱۳۸۴)، زندگی و شعر ادیب‌الممالک فراهانی، ۲ جلدی، به کوشش علی موسوی گرمارودی، تهران: قدیانی.
 ۶. ادیب‌الممالک فراهانی (۱۳۱۲)، دیوان ادیب‌الممالک فراهانی، تصحیح و حواشی وحید دستگردی، تهران.
 ۷. آراین پور، یحیی(۱۳۷۲)، از صبا تا نیما، ۲جلدی، تهران: زوار، تهران.
 ۸. آلن گراهام(۱۳۸۰) بینامتنیت، ترجمه پیام یزدانجو، تهران: مرکز.
 ۹. جدیدی، حمیدرضا(۱۳۹۷)، از بوستان دوستان، برگزیده متون و دانش‌های ادبی و نگارشی، اراک: دانشگاه آزاد اسلامی.
 ۱۰. خاقانی، افضل‌الدین(۱۳۷۳)، دیوان خاقانی، به کوشش ضیاءالدین سجادی، تهران: زوار
 ۱۱. دهخدا، علی‌اکبر(۱۳۷۴) امثال و حکم، تهران: امیرکبیر.
 ۱۲. دهخدا، علی‌اکبر(۱۳۷۷)، لغت نامه، به کوشش معین و شهیدی، ۱۵ جلدی، تهران: دانشگاه تهران.
 ۱۳. رنجبر، احمد(۱۳۵۰)، گزیده اشعار ادیب‌الممالک فراهانی، تهران: زوار.
 ۱۴. ژنت، ژرار(۱۳۹۱)، مدخل لجامع النص، ترجمه به عربی عبدالرحمان ایوب، بغداد: دارالشؤون الثقافیه العامه.

بینامتنیت قرآنی و حدیثی در چکامه نهم ادیب‌الممالک فراهانی

(به توپ بستن بارگاه امام هشتم)

۱۵. شریف‌رضی، محمدبن‌حسین (۱۴۰۶ق)، *خصائص الأئمه (ع)*، به کوشش محمد هادی امینی، مشهد: آستان قدس.
۱۶. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۰)، *با چراغ و آئینه*، در جستجوی ریشه‌های تحوّل شعر معاصر ایران، تهران: سخن.
۱۷. شمیسا، سیروس (۱۳۶۹)، *فرهنگ تلمیحات*، تهران: فردوس.
۱۸. شیخ حرّ عاملی، محمدبن‌حسن (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعه*، ۳۰ جلدی، قم: مؤسسه آل‌البیّت (ع).
۱۹. صدری نیا، باقر (۱۳۸۰)، *فرهنگ مأثورات متون عرفانی*، تهران: سروش، تهران.
۲۰. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۰۲ق)، *ترجمه تفسیر المیزان*، مترجم محمد باقر موسوی؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۱. طبرسی، فضل‌بن‌حسن (۱۳۸۳)، *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*، تصحیح فضل‌الله طباطبایی و هاشم رسولی محلاتی، ۱۰ جلدی، تهران: ناصر خسرو.
۲۲. عاقلی، باقر (۱۳۸۷)، *روزشمار تاریخ ایران*، ۲ جلدی، تهران: نامک.
۲۳. علامه حلّی، حسن‌بن‌یوسف (۱۳۷۴)، *آئینه یقین (ترجمه کشف‌الیقین)*، ترجمه سید مجتبی علوی تراکمه‌ای، قم: هجرت.
۲۴. قمی، علی‌بن‌ابراهیم (۱۴۰۴ق)، *تفسیر القمّی*، ۲ جلدی، به کوشش طیب موسوی جزایری، قم: دارالکتاب.
۲۵. کریستوا، ژولیا (۱۳۸۱)، *کلام، مکالمه و زمان*، ترجمه پیام یزدانجو، تهران: مرکز.
۲۶. مازندرانی، محمدصالح (۱۳۴۲)، *شرح اصول کافی*، ۱۲ جلدی، تهران: المکتبه الاسلامیه.
۲۷. مجلسی، محمدباقر (۱۳۵۹)، *بحار الانوار*، ۱۱۰ جلدی، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۲۸. محمدقاسمی، حمید (۱۳۸۸)، *اسرائیلیات و تأثیر آن بر داستان‌های انبیا در تفاسیر قرآن*، تهران: سروش.
۲۹. مدنی، سید علی‌خان (۱۴۱۵ق)، *ریاض السالکین فی شرح صحیفه سیدالساّجدين*، به کوشش محسن حسینی امینی، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۳۰. مصطفوی نیا، سید محمد رضی (۱۳۹۳)، *مجموعه مقالات همایش ملی بینامتنیت*، قم: دانشگاه قم.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۸)، *تفسیر نمونه*، ۲۸ جلدی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۳۲. موسوی گرمارودی، سیدعلی (۱۳۸۴)، *زندگینامه و شعر ادیب‌الممالک فراهانی*، ۲ جلدی، تهران: قدیانی.

۳۳. میدانی، ابوالفضل (۱۳۹۴)، *مجمع‌الأمثال*، همراه با معادلات فارسی، ۲ جلدی، ترجمه مصطفی تراویده، تهران: عصر زندگی.

۳۴. نامور مطلق، بهمن (۱۳۹۰)، *درآمدی بر بینامتنیت، نظریه‌ها و کاربردها*، تهران: سخن.

۳۵. نامور مطلق، بهمن (۱۳۹۵)، *بینامتنیت از ساختارگرایی تا پساامدرنیسم*، تهران: سخن.

مقالات:

۱. اسداللهی، الله شکر (۱۳۷۹)، «متن و فرامتن در ادبیات»، *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز*، ش ۱۷۷، صص ۱-۳۲.

۲. تسنیمی، علی؛ صادقی، ریحانه (۱۳۹۸)، «بینامتنیت واژگان و مفاهیم قرآنی در منظومه ویس و رامین»، *فصل‌نامه پژوهش‌های ادبی-قرآنی*، سال هفتم شماره دوم.

۳. حسینی نژاد، سید محمد؛ ربانی خواه، احمد؛ آسا، حسین (۱۳۹۵)، «جایگاه کاربست احادیث در نظریه پردازی ملاصدرا»، *فصلنامه علوم حدیث*، سال ۲۱، ش ۳، قم.

۴. طاهری، قدرت‌الله؛ فرخی، سودابه (۱۳۹۲)، «رابطه نیما با سعدی بر اساس نظریه اضطراب تأثیر هرولد بلوم»، *فصلنامه پژوهش‌های ادبی*، سال دهم، شماره چهل و دوم.

۵. عباسی، جلال؛ آهی، محمد (۱۳۹۷)، «تحلیل روابط بینامتنی قرآن و غزل‌های صائب بر اساس نظریه ژنت»، *فصل‌نامه پژوهش‌های ادبی-قرآنی*، سال ششم، شماره سوم.

۶. فقیه ایمانی، سید محمد رضا؛ ایدی، مهدی (۱۳۹۴)، «تحلیل مؤلفه‌های معنایی واژه یعسوب‌الدین در منابع روایی اهل سنت»، *فصلنامه پژوهش‌های دینی*، شماره ۳۰.

۷. قنبری، علی؛ عبدالمالکی، رضا (۱۳۹۲)، «جلوه‌های بینامتنی قرآن کریم در شعر قیصر امین‌پور»، *فصل‌نامه پژوهش‌های ادبی-قرآنی*، سال اول، ۱۳۹۲، شماره دوم.

۸. نامور مطلق، بهمن (۱۳۹۴)، «نشست درهم تنیدگی روان‌شناسی و بینامتنیت در نظریه بلوم»، *سایت خبری فرهنگ امروز* ۲۸/۵/۹۴.

۹. یلمه‌ها، احمدرضا؛ رجبی، مسلم (۱۳۹۳)، «بینامتنیت قرآنی در غزلیات حافظ شیرازی»، *فصلنامه مطالعات قرآنی*، سال پنجم، شماره دوم.

۱۰. یلمه‌ها، احمدرضا؛ رجبی، مسلم (۱۳۹۶)، «تجلی آیات الهی در اشعار سنایی بر اساس بینامتنیت ژرار ژنت»، *فصل‌نامه پژوهش‌های ادبی-قرآنی*، سال پنجم، شماره دوم.